فهرست مطالب

**اشاره به مباحث قبل:** 2

رفق و قاعده لا ضرر 2

ضرر به نفس 2

دیدگاه مشهور 2

دیدگاه مرحوم خویی 3

دیدگاه استاد 3

ضررهای متزاحم 3

جمع‌بندی 3

ضررهای مستثنا شده 4

ضررهای مستحدث 4

سؤال 5

پاسخ استاد: انواع استثناء 5

ضرر در فقه فردی و حکومتی 6

معنای پنجم: عدم ایذاء 7

مفهوم نا‌ملائم 7

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی **(رفق و مدارا)**

اشاره به مباحث قبل:

در بحث رفق و مدارا و رعایت توانایی‌های متربی، می‌توان درجاتی از معانی برای آن تصور کرد. یک معنی که از ذهن دور بود، رعایت امکان ذاتی و عقلی بود. معنای دوم امکان عرفی بود که جزء شرایط عامه تکلیف است. معنای سوم این بود که فعالیت‌های تربیتی، حرجی نباشد.

رفق و قاعده لا ضرر

معنای چهارم این است که موجب وقوع شخص در ضرر نشود. این بحث نیاز به تفصیل بیشتر ندارد؛ فقط به اختصار عرض می‌کنم که:

ضرر به نفس

اقدام مربی و مبلغ موجب اضرار متربی و متعلم و مخاطب تبلیغ نشود. این بر اساس آن است که اضرار به غیر حرام است.

اضرار دو نوع است: 1- اضرار به خود؛ 2- اضرار به غیر

در اضرار به نفس بحث است که آیا مطلقاً حرام است؟ یا اینکه اضرارهای خاص حرام است؟ دو قول است:

دیدگاه مشهور

مشهور، مطلق اضرار به نفس را حرام می‌دانند. البته اضرار معتنابه مراد است نه ضررهای یسیر. ایجاد زخم به بدن، یا قطع عضو یا استعمال موادی که عضوی از بدن را دچار آسیب می‌کند، این نوع اقدامات حرام است. این دیدگاه مشهور است.

دیدگاه مرحوم خویی

غیر مشهور از جمله مرحوم خویی تعدادی از چند نوع اضرار را حرام می‌دانند مانند قتل، القای نفس در تَهلکه، قطع عضو و نقص عضو، ضررهای کثیره و ... اما مطلق اضرار به نفس حرام نیست.

دیدگاه استاد

این از نظر فقهی محل بحث است. به نظر می‌رسد دیدگاه مشهور در حرمت ضرر «معتدّبه» توجیه‌پذیرتر است.

بعضی از انواع مواد مخدر و حتی سیگار ممکن است، حرام باشد. در تعیین مصداق هم اختلاف است قمه‌زنی و ایجاد زخم نوعی ضرر است؛ مشهور همین مقدار ضرر را ضرر معتدبه می‌دانند.

برخی برای تخلیه روانی، خودزنی می‌کنند، بدن را زخم می‌کنند، رگ می‌زنند؛ شاید عقده‌ها را با خشونت‌های این‌چنینی خالی می‌کنند. این‌ها، انواع مختلف ضرر به نفس است.

ضررهای متزاحم

ممکن است بحث ضرر، در مقام تزاحم نیز مطرح شود، لذا برخی از ضررها مانند حجامت اشکال ندارد. بلکه حجامت ادله نقلی فراوان و معتبر دارد. این مورد چون دلیل خاص دارد، استثناء شده است.

جمع‌بندی

در معنای چهارم می‌گوییم آنچه فرد انجام می‌دهد نباید موجب ضرر به مخاطب و متربی شود.

در اضرار به غیر اختلاف نیست، همه فقها اضرار به غیر را حرام می‌دانند، اضرار به غیر(چه اضرار جسمی و چه اضرار روحی‌) ورود در حیطه سلطنت غیر است.

ضررهای مستثنا شده

البته اضرار حرام، استثناء هم دارد؛ حدود استثناء در باب «حدود»، «تعزیرات»، «تأدیب» و ... تعیین شده است. پس این حرمت اضرار اطلاق دارد که در تأدیب، موعظه، تبلیغ، تربیت و ... باید با رفق رفتار کند یعنی اضرار به غیر نکند. نمی‌شود به غیر ضرر وارد کرد. بخشی ادله لفظی و غیر لفظی هم داریم.

باید به چند نکته توجه کرد:

1ـ اضرار در حدی باشد که عرف آن را ناچیز نشمارد و غمض عین نکند.

2ـ اضرار اعم است از اضرار جسمی و روحی؛ مثلاً تبلیغ و تربیتی که منجر به وسواسی شدن مخاطب شود، نوعی ضرر است. اگر بدانیم کار ما موجب عقده حقارت متربی می‌شود، حرام است و نباید انجام شود.

ضررهای مستحدث

مصادیق اضرار لازم نیست در زمان صدور نص دینی، وجود داشته باشد لذا ادله نسبت به مصادیق جدید هم اطلاق دارد. این شبهه که ادله نسبت به مصادیق جدید اطلاق ندارد زیرا ادله نسبت به این مصادیق در مقام بیان نبوده است؛ وارد نیست.

در مثال رؤیت هلال، آنچه در زمان معصوم (ع) مرسوم بوده، رؤیت با چشم غیرمسلح بوده است؛ اما رؤیت هلال با چشم مسلح و ابزار دور از ذهن بوده است و برخی ادعا می‌کنند نسبت به رؤیت با چسم غیرمسلح نوعی انصراف پیدا کرده است اما مثال اضرار به غیر از این قبیل نیست بلکه ادله نسبت به ضررهای متجدد و مصداق‌های نو، شمول دارد. پس اضرار روحی در کنار اضرار جسمی مشمول اطلاقات و ادله است.

سؤال

اگر چیزی مصداق ضرر باشد، ولی شارع آن ضرر را نفی کند، یعنی در عین وجود ضرر، دستور به امتثال بدهد و یا در صورتی که وجود ضرر با تکلیف اهم در تزاحم واقع شود، تکلیف چیست؟

پاسخ استاد: انواع استثناء

آنچه بیان شد، قاعده اولیه بود؛ این مطلب استثنائاتی دارد. استثناء دو قسم است:

بخشی از آن استثنائات مصرّح است و طبق قانون اطلاق و تقیید وارد شده است؛ مانند همین مراتب امر به معروف و نهی از منکر که در دلیل وارد شده است. زدن بچه به هدف تأدیب در دلیل وارد شده است؛ یا حدود و تعزیرات که نوعی بُعد تربیتی هم دارد. پس در مورد تجویز اضرار، دلیل وارد شده است. این نوع استثناء، استثنای خاصه است.

قسم دیگر این است که بر اساس قانون اهم و مهم اعمال می‌شود. در این موارد استثناء، جایی است که مثلاً در «امر به معروف و نهی از منکر» معلوم است که آمر و ناهی ضرر می‌رساند، اما اهمیت موضوع به قدری است که دلیل حاکم می‌شود؛ اضرار نرساندن مهم و احیاء معروف اهم است. توجه داریم که با قیام حضرت سید الشهداء (ع) خیلی‌ها ضرر کردند و در انقلاب اسلامی هم همین‌طور بود. وقتی راهپیمایی برپا می‌شد، کسب‌وکار برخی تعطیل می‌شد و ضررهایی متوجه برخی می‌شد و حتی ضرر جانی و تقدیم شهدا و ... که همه از باب مسأله اهم و مهم قابل توجیه بود. در همان زمان هم عده‌ای مقدس‌مآب، اعتراض می‌کردند و به خاطر همین مسائل راهپیمایی را حرام می‌دانستند.

بنابراین اصل آن است که روش‌های تربیتی در قلمروهای مختلف تربیتی، تبلیغ، هدایت، ارشاد و ... ایجاد نوعی عسر و حرج یا ضرر نکند. در موارد استثناء چنین حقی به افراد داده شده تا در عینِ اضرار غیر، باید اقدام کنند. پس یا بر اساس قاعده اهم و مهم یا بر اساس تجویز شرعی اضرار اشکال ندارد و الا اصل اولی ممنوعیت اضرار به غیر است.

مصادیق ضرر گاهی آشکار است و گاهی با کارشناسی متخصصان امور، معلوم می‌شود.

نوعی از کاربرد موعظه، تربیت و ... که فرد مخاطب را دچار نوعی آسیب روحی می‌کند؛ منتج به وسواس می‌شود، فرد دچار لکنت زبانی می‌شود، عقده شخصیتی پیدا می‌کند، اضطراب و استرس ایجاد می‌کند و .... در این موارد، روش‌های تربیتی محدود می‌شود؛ نباید این نتایج و ضررها بر فعالیت‌های تربیتی مترتب باشد.

بسیاری از اعمال تربیتی مستحب است، در مقابل ضرر که حرام است.

ضرر در فقه فردی و حکومتی

ضرر هر چیزی نسبت به نوع حکم متفاوت می‌شود. مستحبات در مقابل حکم حرام نمی‌تواند مقاومت کند.

از نظر فقه فردی همین است، اما از حیث فقه اجتماعی یا فقه حکومتی ممکن است به نتیجه متفاوت برسیم. نگاه کلان فقه اجتماعی که داریم مثلاً در بحث «مسأله جمعیت» و تکثیر «نسل» این مسأله مستحب مؤکّد است اما به عنوان ثانوی گاهی واجب یا حرام می‌شود؛ بر حسب شرایط و اوضاع و احوال مبدل به احکام دیگر می‌شود. پس از منظر فردی چیزی می‌تواند مستحب مؤکّد باشد اما حکومت نباید به دلیل استحباب آن به راحتی از کنار آن بگذرد و بی‌تفاوت باشد. ممکن است امر مستحب، برای حکومت یا نهاد حوزه و ... واجب باشد. ترویج امر مستحب، همیشه مستحب نیست گاهی واجب است و گاهی حرام. این را در امر به معروف و نهی از منکر نگفتیم، اما جا دارد که مطرح شود. گفتیم: امر به مستحب، مستحب است و امر به واجب، واجب است، نهی از حرام واجب است و نهی از مکروه مستحب است؛ اما همین حکم در شرایط خاص متفاوت می‌شود.

در نتیجه معنای چهارم رفق و مدارا، عدم ضرر بود. دایره ضرر گسترده است و بین ضرر نفس و اضرار به غیر تفاوت وجود دارد. شرط حرمت اضرار، معتدبه بودن است که خود استثنائاتی دارد بر اساس ادله خاصه یا از طریق قانون تزاحم اهم و مهم.

این سؤال قابل‌تأمل است که:

فرد اقدام می‌کند و می‌داند که موجب ضرر است؛ در این صورت باید اجتناب کند؛ اما گاهی علم ندارد بلکه ظن دارد، یا احتمال قوی می‌دهد. در صورت گمان یا احتمال ضرر، آیا اشکال دارد یا خیر؟ این برمی‌گردد به اینکه اضرار به غیر آیا متعلق دلیل است و باید احراز شود که حد دلالت ادله چه قدر است. ممکن است ادله احتمال وجود ضرر را هم شامل شود. محرز الضرر حتماً حرام است، اگر دلیل خاص نباشد، محتمل الضرر حرام نیست.

سیره عقلا ممکن است احتمال قوی ضرر یا اگر ضرر محتمل زیاد باشد، استثناء بکند و این مورد را هم حرام بداند. فی‌الجمله با احتمال ضرر، حکم برداشته می‌شود اما بالجمله معلوم نیست.

در صورت وجود چند قول که موجب تعارض اقوال شود، قول خبره و کارشناس حجت است و در موارد اختلاف و تعارض بیّنات قول خبره حجت است.

معنای پنجم: عدم ایذاء

معنای پنجم رفق و مدارا عبارت است از عدم ایذاء. آزار نرساندن رفتار مربی و مبلغ به دیگران. بین ایذاء و ضرر عموم و خصوص من وجه است. در آزار، ألَم و درد در طرف مخاطب است. الم با آزار ارتباط دارد، درحالی‌که در ضرر ادراک مطرح نیست. مراد از ألم، الَم فلسفی است نه الم پزشکی.

مفهوم نا‌ملائم

درک ناملائم، ایذاء است، الَم خلاف لذت است. نَمط هشتم اشارات را بخوانید؛ طبق آن معنی، از ایذاء فهم عقلایی مقصود است. ما وارد ادله این مفهوم نمی‌شویم؛ منابع نقلی و روایات در این مورد وارد شده است. فقط اشاره می‌کنیم که نباید روش‌های ایذایی استفاده کرد. در این معنی از رفق، همانند معنای قبلی استثنائاتی وجود دارد، استثنائات این معنی، شبیه بحث «ضرر» است. نکات دیگری هم هست که انشاءالله فردا عرض می‌کنیم.

پایان